

کتاب
۱۴۳۶۲۵۶



McGill
Institute of Islamic Studies
Institut d'études islamiques



مجموعه فلسفی مروی

(نسخه برگردان دسئویس، سال ۱۶ کتابخانه مروی تهران)

مقدمه، فهرست، و نهایه ها
روبرت ویسنوفسکی

مقدمه فارسی
حسن انصاری

ایران تهران ۱۳۹۵

عنوان و نام پدیدآور :	مجموعه فلسفی مروی : چاپ نسخه برگردان / مقدمه انگلیسی،
فهرست، نمایه رویت ویستوفسکی : با همکاری	
رویشگاه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل کانادا :	
مقدمه فارسی حسن انصاری.	
مشمع انصاری :	کتاب رابرت، ۱۳۹۵.
مشخصات ماهی :	۵۴۰ م. مصور.
فهرست :	میران فکری : ن اسلامی : ۲.
شابک :	۶۲۰۰۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فهرست
موضوع :	فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع :	Islamic philosophy -- Early works to 20th century
موضوع :	ایران -- تاریخ -- صفویان، ۹۰ - ۱۱۰ ق. -- متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع :	Iran -- History -- Safavids, 1502 - 1736 -- Early works to 20th century
شناسه افزوده :	ویستوفسکی، رابرت، ۱۹۶۴ م. مقدمه نویسنده
شناسه افزوده :	Wisnovsky, Robert
شناسه افزوده :	انصاری قمی، حسن، ۱۳۴۹ - مقدمه نویسنده
شناسه افزوده :	دانشگاه مک گیل. موسسه مطالعات اسلامی
شناسه افزوده :	McGill University. Institute of Islamic Studies
رده بندی کنگره :	BBR ۴۱۵ / م ۳ ۱۳۹۵
رده بندی دیویی :	۱۸۹ / ۱
شماره کتابشناسی ملی :	۴۳۰۴۳۲۳

سلسله میراث فکری تمدن اسلامی ۲

مجموعه فلسفی مروی

مقدمه، فهرست، و نمایه‌ها: روبرت ویسنوفسکی

مقدمه فارسی: حسن انصاری

انتشارات کتاب رایزن

با همکاری پژوهشگاه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل کانادا.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۶۲۰۰۰-۵

چاپ اول: تهران، ۱۳۹۵ / ۲۰۱۶

لیتوگرافی: تراب زاده . چاپ: نظر

نشانی: پیران، کاشانک، مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن، گروه رایزن

تلفن: ۲۲۸۰۹۹۴۴ . دورنگار: ۲۲۸۰۹۹۲۶

ایمیل: info@rayzanbooks.com

تارنما: www.rayzanbooks.com



همه حقوق مادی و معنوی این اثر، اعم از محتوای مطالب، طرح، و غیره، موجب قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان محفوظ است و هر گونه استفاده بازرگانی از این اثر، اعم از زیراکس، بازنویسی، ضبط و انتشار در فضای مجازی یا به هر صورت دیگر، بدون اجازه مکتوب ناشر، کلاً و جزئاً ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.



«کتاب رایزن» به فردایی پایدار برای محیط زیست می‌اندیشد. کاغذهای استفاده‌شده در این کتاب دارای استاندارد بین‌المللی «شورای سرپرستی جنگل» است که با کد مخصوص در تارنمای این شورا در دسترس است.

در این کتاب شیوه حروف‌نگاری و صفحه‌بندی استاندارد «کتاب‌رایزن» اجرا نشده است.





نشر به معنای عام در قلمرو فرهنگی ایران سابقه‌ای بس دراز دارد. وجود بازارهای بزرگ و مهم «وراقان»، استنساخ انبوه آثار خرد و کلان، و تألیف مجموعه‌های گران‌بهای کتاب‌شناسی از قرون متقدم به این سوی از مهم‌ترین جلوه‌های نشر به شمار می‌رود. این سنت فرهنگی‌ساز و دانش‌پرور کهن، در قرون متأخر و ضمن تأسیس نخستین چاپخانه‌ها پس از اختراع دستگاه چاپ، تحولات فنون نشر همچنان دوام یافت و ایران امروز یکی از معدود مراکز درجه اول نشر، آثار مکتوب در جهان اسلام و آسیا تلقی می‌شود.

آنچه جریان نشر ایران را اهمیتی کم‌مانند بخشیده است، آن است که از روزگار کهن بسیاری از کاتبان نامدار، یعنی ناشران آثار مکتوب، در زمره اهل علم بوده‌اند و بعضی از آنها سپس‌تر به دانشمندی‌های بزرگ، تبدیل شده‌اند. به دوران معاصر نیز دسته‌ای از مهم‌ترین مراکز نشر در ایران را دانشمندان و محققان ممتاز بنیاد کردند یا راهبری معنوی آن را به دست گرفتند و با چاپ انتقادی معتبر آثار، پیشنهاد تحقیقات جدید به دانشمندان و انتشار آثار محققان آنها، و مخصوصاً ترجمه آثار مربوط به علم و فلسفه و ادبیات نو، موجب آشنایی و بلکه توغل ایرانیان در علم و اندیشه معاصر شدند.

کتاب راین، که بنا بر مقتضیات اجتناب‌ناپذیر، گسترش دانش و فرهنگ را مهم‌ترین وظیفه خود می‌شمارد، نیز، در امتداد حرکت فرهنگ «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، همین مقصد را تعقیب می‌کند؛ یعنی علاوه بر چاپ و انتشار آثار محققان و مترجمان، که به تصویب شورای مشاوران می‌رسد، خود نیز عرصه‌ای برای تحقیق و تصنیف و تألیف در زمینه‌های مختلف تاریخ و فرهنگ و ادب ایران و اسلام، و ترجمه آثار معتبر و پیدانی گسترده، مشتمل بر تحقیقات جدید در باب مکاتب و اندیشه‌های فلسفی و علوم سیاسی و جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و تاریخ و ادبیات و بسیاری زمینه‌های دیگر — پس از عرصه تصویب در شورای مذکور — برای محققان و مترجمان برجسته می‌گشاید. به همین جهت آثار منتشره توسط کتاب راین پهنه‌ای وسیع در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی را دربر می‌گیرد و امیدوار است جریانی نو در زمینه چاپ و نشر در ایران ایجاد کند.

حسن موسوی بجنوردی

مدیر عامل

پیشگفتار

کتابی که در برابر خود دارید چاپ نسخه برگردان مجموعه‌ای از رساله‌ها و کتاب‌های فلسفی است که تاریخ کتابت آن به دوران صفوی باز می‌گردد؛ دورانی که در آن سنت فلسفی و اسلام تجدید شده؛ آن هم با احیای مجدد سنت سینوی به جای کلام فلسفی متأثر از فخر رازی و خواجه طوسی. درست است که آرای فلاسفه مسلمان و به‌ویژه ابن سینا همواره در سده‌های پس از ظهور کلام فلسفی فخر رازی و خواجه طوسی محل عنایت بود و حتی در طول سده‌های هفتم و هشتم قری اشارات بوعلی محل توجه و تدریس و تدرّس و شرح‌نویسی بود، اما نمونه‌ای از اهتمامات و بحث‌های فلسفی در حول محور کتاب‌های سنت کلام فلسفی مانند تعدادی از آثار فخر رازی و تجرید خواجه طوسی شکل می‌گرفت و به‌ویژه با ظهور صفویه بود که اقبالی مجدد به آثار ابن سینا را شاهد هستیم. از دیگر سو، درست است که در تشیع امامی از دوران‌های قدیم اعتناء به فلسفه اسلامی همواره به‌عنوان امری حاشیه‌ای بروز داشته است و به‌ویژه با ظهور خواجه طوسی و شاگردش علامه حلی این اهتمام در میان تشیع فزونی گرفت و یکپسند در میان آنان اشارات و شفای بوعلی کانونی از بحث‌های فلسفی را شکل داد، اما واقعیت این است که باید دوران

صفوی و اهتمام میرداماد و آخوند ملاصدرا را در نیمه این دوران نقطه عطفی در تاریخ اندیشه فلسفی در تشیع امامی به حساب آورد؛ دورانی که هنوز هم در ایران معاصر آثار و سپهر فلسفی و اندیشگی آن تداوم دارد و سنتی زنده است.

اگر بخواهیم دریافت روشنی از فلسفه عصر صفوی داشته باشیم، باید آثار فلسفی آن دوران را به خوبی بشناسیم؛ نه تنها آثار مکتب حکمت متعالیه و بلکه همچنین آثار تمامی سنت‌های ریز و درشت آن دوران را، که گاه به دلیل سیه‌ی فلسفی ملاصدرا به حاشیه رانده شده و به درستی خوانده نشده است.

یکی از راه‌های درست خوانش مجدد آثار متنوع فلسفی دوران صفوی شناخت درست منابع اندیشه فلسفی آن دوران است و اینجاست که آشنایی با مجموعه‌های خطی فلسفی عصر صفوی کمال اهمیت را دارد. در لابه‌لای نسخه‌های خطی، مجموعه‌ای فلسفی زیادی را هم‌اینک می‌شناسیم که حاوی تعدادی از دست‌نویس‌ها و رساله‌های فلسفی است؛ مجموعه‌هایی که در دوران صفوی و برای بهره‌گیری طالبان علمان فلسفه فراهم می‌شده است. آنچه هم از دوران قاجار و تداوم مکتب اصفهان و نیز پس از آن در دوران مکتب تهران در این زمینه باقی مانده متکی است بر میراث عصر صفوی و از این‌رو بر اساس همه این دست‌نوشته‌ها می‌شود درک روشن‌تری از منابع فلسفه عصر صفوی به دست آورد. بسیاری از تمایزها و تفاوت‌ها در اطیاف مختلف فلسفه عصر صفوی نیز در شناخت منابع افکار فیلسوفان و حکیمان آن دوران قابل شناسایی است و درست در همین پیش‌زمینه است که باید اهتمامی جدی به نسخه‌ها - مجموعه‌های فلسفی آن دوران نشان داد و این دست منابع خطی را بازشناسایی کرد. البته از دوره‌های پیشین فلسفه هم از این دست مجموعه‌های فلسفی را می‌شناسیم که شامل دست‌نوشته تعدادی از آثار فلسفی و منطقی کهن‌تر است و این امر اختصاصی به دوران صفوی ندارد؛ به‌ویژه از سده‌های هفتم و هشتم هم‌اینک تعداد قابل توجهی از این دست مجموعه‌ها در کتابخانه‌های جهان موجود است، به طور خاص در کتابخانه‌های ترکیه. ریشه مجموعه‌های فلسفی

موجود از عصر صفوی هم به همین دوران باز می‌گردد. اما آنچه در این میان بسیار اهمیت دارد بازشناسایی این دست مجموعه‌هاست از نقطه نظر تنوع انتخاب و ترتیب قرار گرفتن کتاب‌ها و رساله‌های فلسفی و منطقی در آنها. در حقیقت این دست مجموعه‌های خطی آینه‌ای هستند که وضعیت آموزشی متون فلسفی و منطقی هر دوران را بازتاب می‌دهند. معمول بر این بوده است که کاتبان این دست مجموعه‌ها که گاه نیز خود از عالمان و دانش‌آموختگان فلسفه بوده‌اند، متونی را در مجموعه‌های خود دستچین می‌کرده‌اند که هم‌زمان در مدارس و در آموزشگاه‌ها و در محافل اهل فلسفه دوران آموزش داده می‌شد و یا جزء منابع نویسندگان آن دوران بود. بدین ترتیب فی المثل نمونه‌هایی مانند «سفینه تبریز» و یا «مجموعه فلسفی مراغه» نشان می‌دهد که چه دست‌آثاری محل توجه مدرسان و یا طالب‌العلمان فلسفه در کار و یا زمانی خاص بوده است.

گفتیم که ما هم‌اینک مجموعه‌های متعددی در زمینه آثار فلسفی و منطقی از سده‌های هفتم و هشتم قری در اختیار داریم. ریشه آنها طبعاً بازمی‌گردد به مجموعه‌های فلسفی و منطقی مختلفی که در خراسان سده ششم قری و در دوران توجه و اقبال تدریجی به فلسفه سینوی در شهرهایی مانند نیشابور و مرو و بخارا و سمرقند و خوارزم فراهم می‌شد است؛ دورانی که آثار ابن سینا کانون توجه شاگردان سنت خراسانی او و نیز متکلمان و فقیهان بود. از مجموعه‌های فلسفی سده ششم هم خوشبختانه نمونه‌هایی هم‌اینک موجود است و به‌خوبی نشان می‌دهد که در خراسان این دوران و یا در نقاط دیگر، مانند آذربایجان و یا حتی بغداد، چه دست‌آثار فلسفی و یا منطقی را از چه فیلسوفانی محل توجه بوده است. طبعاً آنچه از آن دوران داریم نیز ریشه‌اش به مجموعه‌های فلسفی مشابهی بازمی‌گردد که یا در ری و خراسان دوران ابوالحسن عامری و ابوسلیمان سجستانی و مسکویه و ابن سینا فراهم آمده بوده و یا در بغداد عصر ما بعد فارابی و به‌ویژه در میان مکتب مسیحی بغداد. آنچه در دوران نهضت ترجمه از آثار و نوشته‌های فلسفی به زبان‌های یونانی و سریانی به عربی ترجمه شد، از یک سو در بغداد دستمایه‌ای بود

برای آموزش‌های فلسفی و منطقی در سده‌های چهارم و پنجم، چنانکه به‌ویژه حضور مستمر آنها را در بغداد در دوران ابو زکریا یحیی بن عدی، فیلسوف نامدار مسیحی یعقوبی مذهب سده چهارم، و شاگردان و همچنین شاگردان شاگردانش می‌شناسیم؛ و نیز از دیگر سو همان دست آثار به‌ویژه از طریق شاگردان خراسانی یعقوب بن اسحاق الکندی راه به خراسان برد و مورد استفاده ابوالحسن عامری و ابن سینا و دیگران قرار گرفت. در این میان تعداد قابل توجهی از مجموعه‌های خطی فلسفی که اینک از دوران‌های صفوی و قاجار در اختیار است شامل تعدادی از آثار درست و یا منحولی است که ریشه‌اش به نهضت ترجمه بغداد می‌رسد و از رهگذر مجموعه‌های مشابه فلسفی دوره‌های کهن‌تر به مجموعه‌های متأخرتر راه یافته است. طبعاً بررسی دقیق این مجموعه‌ها و بررسی آنچه در میان آنها از آثار دوران نهضت ترجمه بغداد هنوز باقی است و جایی برای خود در کنار آثار مشهورتر فلاسفه مسلمان یافته است، نشان می‌دهد که کدام یک از آثار منطقی و فلسفی ترجمه‌شده به عربی نه تنها ضرر فکری‌شان را در آثار فلسفی و منطقی دوره‌های بعد تداوم بخشیدند بلکه حتی حضور فیزیکی نسخه‌هایی از خود را در ضمن «مجموعه»‌های خطی دوره‌ای پس‌تر حفظ کرده‌اند و بدین ترتیب مجالی را برای تدریس و تدریس و دقیق‌تر فلسفی فراهم می‌کرده‌اند. متأسفانه تاکنون تحقیق جامعی درباره این مجموعه‌ها و پیشینه‌های هر کدام و سنت‌های متفاوتی که سازنده و حافظ این دست مجموعه‌های فلسفی بوده‌اند صورت نگرفته است.

از رهگذر مجموعه‌های فلسفی پیش گفته که از دوره‌های مسبق تاریخی هم‌اینک در اختیار داریم، بسیار جالب توجه است ببینیم درست در چه محیط‌های فلسفی و در چه ادوار تاریخی هنوز آثار کندی و یا فارابی و با چه حجم نسبی در کنار آثار ابن سینا و یا شارحان او و یا حتی آثار فلسفی غزالی خوانده می‌شده است؛ یا اینکه فی‌المثل ببینیم در کجاها علاوه بر اهتمام به ابن سینا، آثار فلسفی و منطقی ابوالحسن عامری، ابوسلیمان سجستانی و یا مسکویه نیز محل عنایت بوده است. می‌توان با بررسی جامعی از این دست

مجموعه‌ها به دقت دریافت که معمولاً چه آثاری و در چه موضوعاتی و از چه فیلسوفانی در کنار هم قرار می‌گرفتند یا اینکه در هر دوران تاریخی یا در هر محیط علمی و آموزشی چه آثاری جای آثار مشابه کهن‌تر را می‌گرفته است. به عنوان تنها یک نمونه اینجا باید توجه دهم که در دوران صفوی توجه دوباره به فلسفه نوافلاطونی و متون وابسته بدین سنت دیگر بار محل عنایت قرار گرفت؛ به‌ویژه از ناحیه فیلسوفانی که الهیات سلبی تفکر نوافلاطونی را با مکتب تعلیمی امامان شیعه هماهنگ‌تر می‌دیدند.

مجموعه حاضر که نسخه خطی آن در کتابخانه مدرسه مروی به شماره ۱۹ نگه‌داری می‌شود نمونه‌ای روشن از این دست مجموعه‌های فلسفی است. چنانکه می‌دانیم مدرسه مروی از کانونی‌ترین مدارس بوده که در دوران مکتب طهران اهتمام به آثار فلسفی و آموزش فلسفه همواره محل توجه و عنایت اولیاء و مدرسان آن بوده است.^۱ مدرسان علوم عقلی در این مدرسه طبعاً به نسخه‌های کتاب‌های گوناگون فلسفی و از آن جمله مجموعه‌های محل گفت‌وگو عنایت داشته و به برخی از آنها طبعاً دسترسی داشته‌اند. نسخه حاضر، که البته کاتب آن به پیش از این دوران و در واقع به دوران صفوی بازمی‌گردد نمونه‌ای است بسیار جالب توجه از این دست مجموعه‌ها که طبعاً ریشه این مجموعه هم به مجموعه‌های مشابه کهن‌تر بازمی‌گردد. همکار دانشمند، پروفیسور روبرت ویسنوفسکی، در مقدمه انگلیسی کتاب و نیز در چند مقاله‌ای که تاکنون درباره این مجموعه یا پاره‌ای از رساله‌های آن نوشته، درباره اهمیت و محتوای رساله‌های این مجموعه تبیین‌های کافی داده است.

فهرستی که از عناوین رساله‌ها و کتاب‌های این مجموعه به دست داده شده به خوبی اهمیت این مجموعه خطی و تنوع رساله‌ها و کتاب‌های آن را که در

۱. برای معرفی این مدرسه و تاریخچه آن و به‌ویژه معرفی و فهرستی از نسخه‌های خطی و قلمی آن، رک: رضا استادی، گروهی از دانشمندان شیعه، قم، ۱۳۸۳ ش، ص ۵۵۵

عین حال، چنانکه گفتیم میزان اهمیت و حضور آثار متفاوت فلسفی را در دوران کلاسیک آن بازتاب می‌دهد به ما نشان می‌دهد. به طور نمونه، در این مجموعه در کنار آثار ابن سینا، متن اثولوجیا را می‌بینیم که می‌دانیم به‌ویژه در دوران صفوی مورد اهتمام عالمان شیعی قرار گرفت و اقبال دوباره بدان شد. در این مجموعه که البته شامل تعدادی از آثار مترجم ارسطو و یا منسوب بدو هم هست آنچه از همه مهم‌تر است و ارزش این مجموعه را در نوع خود دوچندان کرده وجود مجموعه‌ای از آثار ارزشمند یحیی بن عدی است. اهتمام به آثار فلسفی و منطقی یحیی بن عدی به گواهی ادبیات فلسف در دوره‌های مختلف اسلامی کم‌وبیش در جریان بوده و در کتابخانه‌های ایران هم چندین مجموعه دیگر حاوی تعدادی از آثار او علاوه بر این یک که در کتابخانه رومی است می‌شناسیم. اما آنچه اهمیت این مجموعه را بیشتر می‌کند و آن را از بقیه متمایز می‌کند، در کانون توجه مورخان فلسفه جهان اسلام قرار خواهد داد این است که در این مجموعه تعدادی از آثار فلسفی او دیده می‌شود که تاکنون هیچ‌کس از وجود آنها در جای دیگری ثبت نشده بود. همین‌جا مناسب است به سنت اشاره کنم که نشان می‌دهد در همین پایتخت کنونی ایران، در ری سده ششم قرن، در یکی از کتابخانه‌های این شهر، شاید در نزدیکی محل کنونی مدرسه رومی، مجموعه‌ای از آثار فارابی به خط یحیی بن عدی موجود بوده است. این سنت مرتبط است به فرید خراسان ابوالحسن ابن فندق ببقی که در تئمة صواب الحکمة ترجمه احوال ابونصر فارابی اشاره‌ای دارد به وجود مجموعه‌ای خطی از نوشته‌های فارابی به خط نویسنده و نیز شماری از آنها به خط یحیی بن عدی در ری و در خزانه شرف‌الدین محمد، نقیب النقبای سادات ری و قم، که خود از دانشمندان شیعه امامی دوران بوده، هم که شیخ عبدالجلیل قزوینی رازی کتاب «التقص» را به امر و اشاره او به رشته تحریر درآورد.^۱

به هر حال، مطالعه آثار فلسفی یحیی بن عدی نه تنها ما را با سنتی متفاوت با

۱. رک: تئمة صواب الحکمة، چاپ هند، ص ۱۷.

سنت فلسفی ابن سینا، که می‌دانیم گاه مورد انتقاد او هم قرار داشته، آشنا می‌کند بلکه روایتی به دست می‌دهد از اهتمامات و پرسش‌های اهالی فلسفه در بغداد سدهٔ چهارم قری؛ روایتی که فیلسوفان این دوران در بغداد و با مرکزیت یحیی بن عدی از فلسفهٔ یونانی داشته‌اند. وجود این مجموعه از آثار فلسفی و منطقی یحیی بن عدی فارغ از اینکه بررسی کنیم چگونه راه به مجموعهٔ خطی حاضر یافته است نشان از تنوع منابع اندیشه فلسفی عصر صفوی می‌دهد. این مجموعه از آثار یحیی بن عدی که معلوم است ریشهٔ اصلی‌اش به سنت فلاسفهٔ مسیحی بغداد و نسخه‌ای فراهم آمده نزد بزرگان مکتب یحیی بن عدی می‌رسد و اینک یکجا خوشبختانه به لطف مجموعهٔ حاضر در اختیار ما قرار گرفته است بی تردید آفاق تازه‌ای را در تاریخ‌نویسی مسالهای فلسفی و بازشناسایی منابع اندیشهٔ فلسفی در دوران پیش از ابن سینا برای ما روشن خواهد کرد. می‌دانیم که بسیاری از مباحثات و تعلیقات، نکته‌بینی‌های فلسفی و منطقی ابن سینا در واکنش به آرای سنت فیلسوفان مسیحی بغداد مطرح می‌شده است. بسیاری از مسئله‌های فلسفی که در آثار ابن سینا به‌یژه در حوزهٔ الهیات مطرح شده زمینهٔ اولیهٔ آن در آثار یحیی بن عدی بحال طرح یافته بود و بی تردید برای درک بسیاری از مبانی فلسفی ابن سینا راه نیست جز اینکه آشنایی دقیق‌تری با آرای یحیی بن عدی و مکتب فلسفی او داشته باشیم.

اینک با چاپ این مجموعه راهی تازه برای فراهم می‌شود تا با پیش‌زمینه‌های تفکر فلسفی ابن سینا آشنایی بیشتری پیدا کنیم. زمینه‌های مجادلات و مباحثات فلسفی و کلامی را در دوران «نهضت فلسفی اسلام» بیش از پیش مورد تأمل قرار دهیم.

المحتويات

<١. مقالات شوعه الجي بن عدي>

<١> <مقالة في تبين الفصل بين صناعتي المنطق الفلسفي والنحو العربي>
أب (٢)

<٢> <مقالة في تبين فضل صناعة المنطق بوصف بعض ما يفيد أهلها من
القوى المعجزة كسائر الصناعات الكلامية سواها>
أ٣ (٢٣)

<٣> <مقالة في إثبات صناعة المنطق ومائتها وملتتها وهي موسومة بإثبات ما أتى
في الأصل: تأت> إلى سبيل النجات
أ٤ (٥)

<٤> <مقالة في مباحث الخمسة عن الرؤوس الثمانية>

ب٤ (٣١)

<٥> <مقالة في تبين أن للعدد والإضافة ذاتين موجودتين في المعدودات
والمضافات وأن ليس وجودها في التوهم فقط>
ب٥ (٣٢)

<٦> مقالة في استخراج العدد المضمر من غير أن يسئل المضمر عن شيء
ب (٢٦)

<٧> تعليق آخر في البحث عن الغير المتناهي

ب (٣٢)

<٨> مقالة في تبين أن كل متصل إنما ينقسم إلى متصل ولا يمكن أن ينقسم
إلى ما لا ينقسم

ب (٢١)

<٩> فصل من كتاب أبو الجيش النحوي فيما ظنه من أن العدد غير متناه
١٠ (١١)

<١٠> في نقض الخلق التي أنفذها إليه في نصره قول القائلين إن الأفعال خلق
لله واكتساب للعباد

ب (٢١)

<١١> كتاب فيه عدة مسائل لبشر اليهودي وجواب يحيى بن عدي له
ب (٢٠)

<١٢> <جواب عن اثنتي عشرة مسألة>

ب (٣١)

<١٣> مقالة فيها شرح معاني مقالة إسكندر والفرق بين الجنس والمادة
١٥ (٢٦)

<١٤> مقالة في إبانة أن حرارة النار ليست جوهرًا للنار

ب (٢٦)

- <١٥> مقالة في غير المتناهي والمتناهي والجزء الذي لا يتجزأ
أ٢٠ (١٨)
- <١٦> مقالة في الرد على من قال بأن الأجسام محدثة على طريق الجدل
ب٢٧ (٢)
- <١٧> مقالة في تفسير فصل من المقالة الثامنة من السماع الطبيعي
أ٢٨ (١٥)
- <١٨> مقالة في أنه ليس شيء موجود غير متناه لا عدداً ولا عظماً
ب٢٨ (١٠)
- <١٩> مقالة في تعيين ما ليس القائلين بتركيب الأجسام من أجزاء لا تتجزأ
باحتجاجهم بملاقاة الكثرة المسطحة على نقطته وحركتها عليها
أ٢٩ (٢)
- <٢٠> مقالة في تبين ضلالة من يظن أن الأشخاص الكائنة الفاسدة ليس من
شأنها أن يعلم البتة
ب٢٩ (٣٠)
- <٢١> مقالة في تبين ضلالة من يعتقد أن علم الباري من ذاته وتقدس
أسمائه بالأموال الممكنة قبل وجودها ممتنع
ب٣٠ (٣١)
- <٢٢> نسخة ما كتب به صديقنا ملتصقاً حل ما عرض له منه
ب٣٢ (١)
- <٢٣> مقالة في أن الكم ليس فيه تضاد
ب٣٢ (٣٤)

<٢٤> في أن القطر غير مشارك للضلع

أ٣٣ (٣٠)

<٢٥> عدة مسائل في معاني كتاب إساغوجي

ب٣٣ (١٤)

<٢٦> مقالة في تبين أن الشخص اسم مشترك

ب٣٥ (٨)

<٢٧> مقالة في الكل والأجزاء

ب٣٥ (٢١)

<٢٨> تفسير "بإله الأول" من كتاب أرسطوطاليس الموسوم بمطاطافوسيقا أي فيما بعد الطبيعيات وهي الموسومة بألف الصغرى

ب٣٦ (٢٧)

<٢٩> نسخة ما كتب به إلى أبي محمد أحمد بن جعفر السجستاني في الحاجة إلى معرفة ماهيات الجنس والفصل والنوع والحادثة والعرض في معرفة البرهان

أ٤١ (٥)

<٣٠> مقالة في الموجودات

ب٣٨ (٨)

<٣١> القول في أن كل متصل فإنه ينقسم إلى أشياء تنقسم دائماً بغير نهاية

ب٤٢ (١٦)

<٣٢> نسخة ما كتب به إلى أبي بكر أحمد بن محمد بن عبد الرحمن بن الحسن بن قريش في إثبات طبيعة الممكن ونقض أقوى حجج المخالفين لذلك والتنبيه على فسادها

أ٤٣ (٣٠)

<٣٣> مقالة في التوحيد

٤٨ ب (٣٢)

<٣٤> مقالة في حلّ شكّ يورد في القول بأنّه لن يوجد شيء من الموجودات غير موصوف بصفة <من الصفات البتة وصفا صادقا>

١٥٢ أ (٣٨)

<٣٥> مقالة في تبين أنّ المقولات عشرة لا أكثر ولا أقلّ

٥٢ ب (١٩)

<٣٦> مقالة في الرض ليس هو جنساً للتسع المقولات العرضية

١٥٣ أ (١٩)

<٣٧> مقالة في تبين وجود المأمور العامية والنحو الذي عليه تكون محمولة والنحو الذي تخرج به من أنّ تكون محمولة

٥٣ ب (١٩)

<٣٨> قول في الجزء الذي لا يتجزأ

١٥٥ أ (٢٤)

<٣٩> تعاليق عدّة في معان كثيرة

٥٠ ب (٢٩)

<٤٠> جدول منه يعلم الأجزاء التي باتفاق كلّ واحد منها مع الآخر يستخرج الحد الأوسط الذي يعلمناه أرسطوطاليس

٥٨ ب (١٧)

<٤١> قال أبو زكريا يحيى بن عديّ

٥٩ ب (٣٠)

<٤٢> <رؤيا ليحيى بن عدي>

٦٠ ب (٥)

<٤٣> أجوبة شيخنا أبي بشر متى بن يونس القنّائي عن مسائل سأله يحيى بن عدي بن حميد بن زكريا عنها في معاني إيساغوجي لفرفور يوس

٦٠ ب (١٥)

<٤٤> مقالة في قسمة الست المقولات التي يقسمها أرسطوطاليس إلى الأجناس والأنواع التي تحتها

٦٤ ب (٢٢)

<٤٥> مقالة في البوث العلمية الأربعة عن أصناف الوجود الثلاثة الإلهي والطبيعي والمنطقي

٦٥ أ (٣٤)

<٤٦> مقالة في نهج السبيل إلى تحليل التباسات إلى الأشكال التي هي فيها من أشكال القياس الثلاثة الخلية <في الأصل: أكلمية>

٦٦ ب (٢١)

<٤٧> نسخة الشبهة في إبطال الممكن

٦٩ أ (٩)

<٤٨> جواب أبي عبد الله الدارمي وأبي الحسين علي بن عيسى المتكلم عن المسألة في إبطال الممكن حكى أبو القاسم بن الرازي أنهما اجتمعا على الإجابة به

٦٩ أ (١٨)

<٤٩> جواب أبي بكر الدقاق عن الشبهة في إبطال الممكن

٦٩ ب (٣)

<٥٠> نسخة ما كتب به يحيى بن عدي في الحكومة بين إبراهيم بن علي المعروف بأبي نصر بن عدي الكاتب ومناقضة فيما اختلفا فيه من أن الجسم جوهري وعرض وكأبه إلى الأمير سيف الدولة أبي الحسن علي بن عبد الله بن حمدان

أ٧٠ (٢٠)

<٥١> نسخة ما كتب به إبراهيم بن علي المكنى بأبي نصر ويعرف بابن عدي

٧١ ب (٢٦)

<٥٢> قال يحم بن عدي

٧٢ ب (١٢)

<٥٣> نسخة ما أثبتته يحيى بن عدي لأبي بكر الآدمي العطار

٧٢ ب (٢٥)

<ب> <كتاب> أثولوجيا <المنسوب إلى أرسطاطاليس>

<مقدمة ورؤوس المسائل>

أ٧٣ (١٨)

الميمر الأول

٧٤ ب (٢٠)

الميمر الثاني

أ٧٦ (٩)

الميمر الثالث

أ٧٨ (٣٢)

الميمر الرابع

أ٨٠ (٨)

الميمر الخامس

أ٨١ (١٣)

الميمر السادس

أ٨٢ (١٢)

الميمر السابع

أ٨٣ (٢١)

الميمر الثامن

أ٨٤ (٢٢)

الميمر التاسع

ب٨٧ (٣٦)

الميمر العاشر

أ٩٠ (٢)

<ت> كتاب السماء والعالم <لأرسطوطاليس>

المقالة الأولى

ب٩٤ (١٨)

المقالة الثانية

٩٩ ب (٢٠)

<المقالة الثالثة>

١٠٩ أ (٢)

<المقالة الرابعة>

١١٣ ب (٢٣)

<ث> رسالة في النفس مبنية على سبعة أبواب منسوبة إلى ابن سينا وأرسطوطالس

١١٦ أ (٢٤)

<ج> <كتاب> الإشارات والنزعات <لابن سينا>

<القسم الأول من الإشارات في المنطق>

١١٩ ب (١)

<النهج الأول> في غرض المنطق

١٠٩ ب (٢)

<النهج الثاني> في الألفاظ <الخمس> المفردة والحدّ والرسم

١٢٠ ب (٣٢)

<النهج الثالث> في التركيب الخبري

١٢١ ب (٢٧)

<النهج الرابع> في موادّ القضايا وجهاتها

١٢٢ ب (٣٨)

< النهج الخامس > في تناقض القضايا وعكسها
١٢٤ أ (٢١)

< النهج السادس >
١٢٥ ب (٨)

< النهج السابع > وفيه الشروع في التركيب < الثاني > الذي للحجج
١٢٦ ب (٦)

< النهج الثامن > في التماسات الشرطية < و > في توابع القياس
١٢٧ ب (١٥)

< النهج التاسع > وفيه بيان قليل علوم البرهانية
١٢٨ أ (٦)

< النهج العاشر > في القياسات المغالطية
١٢٨ ب (١٨)

القسم الثاني من الإشارات في علم الطبيعي وما قبله
١٢٩ أ (٧)

النمط الأول في تجوهر الأجسام
١٢٩ أ (٩)

النمط الثاني في الجهات وأجسامها الأولى والثانية
١٣٠ ب (٢٠)

النمط الثالث في النفس الأرضية والسماوية

أ١٣٢ (٥)

النمط الرابع في الوجود وعقله

أ١٣٤ (٥)

النمط الخامس في الصنع والإبداع

أ١٣٥ (٣)

النمط السادس في الغابات ومبادئها وفي الترتيب

أ١٣٦ (١٣)

النمط السابع في التجربة

ب١٣٧ (٣٧)

النمط الثامن في الهبة والسعادة

أ١٣٩ (٢٢)

النمط التاسع في مقامات العارفين

أ١٤٠ (١٠)

النمط العاشر في أسرار الآيات

أ١٤١ (١)

<ح> <كتاب التعليقات لابن سينا>

ب١٤٢ (١)

<خ> رسالة لابن سينا في إزالة شكوك تورد على تصديق خبر النبوة

أ١٨١ (١)

<د> سلسلة الفلاسفة <المنسوبة إلى ابن سينا>

١٨٢ ب (١)

<ذ> كتاب النجاة <لابن سينا>

<الفن الأول من كتاب النجاة في المنطق>

١٨٣ ب (١)

الذي الثاني من كتاب النجاة في الطبيعيات

١٩٦ ب (١٥)

الفن الثالث من كتاب النجاة في الإلهيات

٢١٣ ب (١)

<ر> مباحثات <لابن سينا>

٢٣٢ أ (١)

<ز> الرسالة في الفيض الإلهي المنسوبة إلى ابن سينا>

٢٤٠ ب (١٨)

<س> رسالته الموسومة بالحدود>

٢٤٧ أ (٣٥)